

نظارت پارلمانی در قانون اساسی ترکیه بعد از فراندوم ۲۰۱۷

دکتر علی محمد فلاح‌زاده^۱، سید محمد تقی حسن‌زاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۰

چکیده

نظارت پارلمانی در فراندوم سال ۲۰۱۷ ترکیه و بعد از مهیاشدن شرایط برای تغییر قانون اساسی، به‌طور چشمگیری تضعیف گردید. این اصلاحات یکی از اهداف دیرین حزب عدالت و توسعه به‌ویژه مؤسس آن، رجب طیب اردوغان، بود. حزب اپوزیسیون حرکت ملی نیز با این اصلاحات موافق بود. این اصلاحات شامل برقراری نظام ریاستی به‌جای نظام پارلمانی فعلی، الغای مقام نخست‌وزیری، افزایش کرسی‌های پارلمان از ۵۵۰ به ۶۰۰ و اصلاحاتی در هیئت عالی قضات و دادستان‌ها بودند. این تحقیق برای جوابگویی به این سؤال‌هاست: نظارت پارلمانی بعد از فراندوم ۲۰۱۷ در قانون اساسی ترکیه، به‌سمت تفکیک قوا حرکت کرده است یا خیر؛ و اصولاً تضعیف شده یا مقتدرتر شده است و ارکان سیاسی نظارت توسط مجلس، به‌سمت استقلال حرکت می‌کند یا وابستگی؟ فرضیات تحقیق نیز بیان می‌کند که نظارت پارلمانی به‌شدت تضعیف شده است و ارکان سیاسی نظارت نیز با شائبه‌ی یکی شدن قوا در اختیار حزب حاکم عدالت و توسعه قرار می‌گیرند. این تحقیق به روش توصیفی و تحلیلی، به رشته تحریر درآمده است؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اصولاً دایره اختیارات ریاست جمهوری به‌قدری گسترده شده و قدرت نظارتی نمایندگان مجلس در قانون اساسی، آن‌قدر تضعیف شده است که آن‌ها در شرایط خاص می‌توانند عملکرد وزرا، رئیس‌جمهور و حتی قوه قضائیه را مورد تحدید و پرسشگری قرار دهند و شائبه ادغام قوای سه‌گانه به‌شدت در این کشور تقویت شده است؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که بعد از فراندوم مزبور، نظارت پارلمانی به‌شدت تضعیف شده است.

واژه‌های کلیدی: نظارت پارلمانی؛ ترکیه؛ قانون اساسی؛ نماینده مجلس؛ فراندوم ۲۰۱۷

^۱ استادیار حقوق عمومی، حقوق دانشگاه علامه طباطبایی، ایران، تهران (نویسنده مسئول)

amfallahzadeh@atu.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبایی، ایران، تهران

۱- مقدمه

کشور جمهوری ترکیه، باقیمانده امپراطوری عظیم عثمانی است که پس از فروپاشی در خلال جنگ جهانی اول به چند کشور مختلف تجزیه شد و قدرت و استقلال آن به شدت آسیب دید. در سال‌های اخیر با توجه به سیاست‌های دولت برای احیای اقتدار و عظمت ازدست‌رفته کشور و تبدیل آن به کشوری قوی و صاحب نفوذ در منطقه و جهان، موجب شده است، ترکیه گام‌های توسعه را با سرعت هرچه تمام‌تر بردارد که نتیجه این سیاست‌ها پیشرفت‌های عظیم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در کشور بوده است.

همه‌پرسی قانون اساسی ترکیه در ۱۶ آوریل ۲۰۱۷ برگزار شد. مردم ترکیه درباره تغییر ۱۸ اصل از قانون اساسی این کشور تصمیم‌گیری کردند. این اصلاحات یکی از اهداف دیرین حزب عدالت و توسعه به‌ویژه مؤسس آن، یعنی رجب طیب اردوغان بود. حزب اپوزیسیون حرکت ملی نیز با این اصلاحات موافق بود. این اصلاحات شامل برقراری نظام ریاستی به جای نظام پارلمانی فعلی، الغای مقام نخست‌وزیری، افزایش کرسی‌های پارلمان از ۵۵۰ به ۶۰۰ و اصلاحاتی در هیئت عالی قضات و دادستان‌ها بودند. پارلمان ترکیه در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ با ۳۳۹ رأی موافق به این همه‌پرسی رأی داد. این میزان رأی بیش از ۳۳۰ رأی لازم (اکثر) بود. حزب جمهوری‌خواه خلق به‌عنوان اصلی‌ترین حزب اپوزیسیون دولت اعلام کرد که به دنبال ابطال رأی پارلمان از طریق دادگاه قانون اساسی خواهد بود. دلیل این حزب برای این ادعا، اقدامات خارج از قاعده نظیر رأی‌گیری به صورت آشکار و ارباب برخی از نمایندگان هنگام رأی‌گیری بود^۳ (دانشجو، ۱۳۹۶).

بنابراین تحلیل چالش‌های حقوقی نظارت پارلمانی در ترکیه که بعد از همه‌پرسی اتفاق افتاد و نیز تحلیل حقوقی عواقب آن، جزو مسائلی است که در این تحقیق، باید بررسی و آسیب‌شناسی گردد.

علی‌رغم پذیرش لزوم تطابق قوانین عادی با قانون اساسی، روش یکسانی در نحوه اعمال چنین نظارتی اتخاذ نشده است. در بعضی کشورها پس از توشیح و انتشار قانون، مراجعی برای رسیدگی به ادعاهای مربوط به مطابقت‌نداشتن قوانین عادی با قانون اساسی تعیین شده است؛ در حالی که کشورهای دیگری پس از تصویب قانون در پارلمان و قبل از

^۳ پیشنهاد اصلاحات را نخستین‌بار حزب عدالت و توسعه، پس از پیروزی در انتخابات سراسری ۲۰۱۱ اعلام کرد؛ اما از آنجاکه کمیته قانون اساسی در پارلمان - که با شرکت همه احزاب تشکیل می‌شود - نتوانست درباره آن به اجماع برسد، از دستور کار خارج شد. پس از اینکه رجب طیب اردوغان در انتخابات ۲۰۱۴ به‌عنوان رئیس‌جمهور ترکیه انتخاب شد، انتظارات برای اصلاح قانون اساسی و تغییر نظام اجرایی بار دیگر قوت گرفت. این پیشنهادها در انتخابات‌های سراسری ژوئن و نوامبر ۲۰۱۵ جزو سیاست‌های اصلی حزب عدالت و توسعه بود. کمی بعد احمد داوود اوغلو به دلیل مخالفت با اردوغان - درباره تغییرات پیشنهادی درباره قانون اساسی که منجر به حذف مقام نخست‌وزیری می‌شد - استعفا داد و جای او را بن‌علی ییلدیریم گرفت. در اکتبر ۲۰۱۵ حزب حرکت ملی ترکیه که به‌طور سنتی با نظام ریاستی مخالف بود از دولت خواست پیشنهاد خود را به پارلمان ارائه دهد. دولت باهچلی رئیس این حزب نیز اعلام کرد که در روند نگارش پیش‌نویس همراهی خواهد کرد. این دو حزب توانستند در هشتم دسامبر پس از یک ماه گفت‌وگو بر سر ارائه قانون اساسی جدید به توافق برسند و در نتیجه روند پارلمانی برای برگزاری همه‌پرسی شروع شد (دانشجو، ۱۳۹۶: ۶).

توشیح، انتشار و رسمیت یافتن قانون، اعمال چنین نظارتی را پذیرفته‌اند که در این تحقیق دربارهٔ نظارت پارلمانی در قانون اساسی ترکیه بحث می‌شود.

این تحقیق برای جوابگویی به این سؤال‌هاست: نظارت پارلمانی بعد از فراندوم ۲۰۱۷ در قانون اساسی ترکیه، به سمت تفکیک قوا حرکت کرده است یا خیر؛ و اصولاً تضعیف شده و یا مقتدرتر شده است و ارکان سیاسی نظارت توسط مجلس، به سمت استقلال حرکت می‌کند و یا وابستگی؟ فرضیات تحقیق نیز بیان می‌نمایند که نظارت پارلمانی به شدت تضعیف شده است و ارکان سیاسی نظارت نیز با شائبهٔ یکی شدن قوا در اختیار حزب حاکم عدالت و توسعه قرار می‌گیرند.

ضرورت تحقیق ناشی از آن است که از یک‌طرف ترکیه، همسایهٔ ایران است و هرگونه چالش در نظام حقوقی پارلمانی و مخصوصاً نظارت ارکان قدرت در این کشور می‌تواند بر ایران تأثیر مستقیم و یا غیرمستقیم بگذارد؛ از طرف دیگر با آسیب‌شناسی نحوهٔ نظارت در این کشور، می‌توان به فرصت‌ها و تهدیدهای این نوع نظارت در نظام حقوقی پی برد. در این مقاله می‌کوشیم به مسائل سیستم نظارتی ترکیه بعد از فراندوم ۲۰۱۷، آسیب‌شناسی و نقاط قوت این فراندوم و درنهایت ارائهٔ انتقادات و پیشنهادات در این باره بپردازیم.

۲- چالش‌ها و ابهامات نظارت پارلمانی در قانون اساسی ترکیه

در این قسمت ضمن تحلیل سازوکارهای نظارت بر مطابقت اصلاحات قانون اساسی و دکتترین محدودیت‌های ضمنی، به بررسی چالش‌ها و ابهامات نظارت پارلمانی در قانون اساسی ترکیه - که بعد از اصلاحات آن در سال ۲۰۱۷ اتفاق افتاد - پرداخته می‌شود:

۲-۱ سازوکارهای نظارت بر مطابقت اصلاحات قانون اساسی با محدودیت‌های مندرج در قانون اساسی

نظارت بر مطابقت اصلاحات اعمال‌شده با محدودیت‌های مندرج در قانون اساسی به تمهیداتی بستگی دارد که هر قانون اساسی با توجه به ساختار حکومتی خود، آن را مدنظر قرار می‌دهد. در این زمینه برخی قوانین اساسی، ماده یا موادی را بدین منظور در نظر می‌گیرند و به شیوهٔ این نظارت، تصریح نیز می‌کنند؛ برای مثال مادهٔ ۱۴۸ قانون اساسی ترکیه مصوب سال ۱۹۸۲م. تصریح می‌دارد که دادگاه قانون اساسی ترکیه، از لحاظ شکلی بر مطابقت اصلاحات به عمل آمده با قانون اساسی نظارت می‌کند.

برخی قوانین اساسی نیز به‌طور صریح، نظارت بر اصلاحات قانون اساسی را ممنوع اعلام می‌کنند و نهاد مؤسس را در این باره دارای اختیار مطلق می‌دانند؛ برای مثال بند ۴ مادهٔ ۳۶۸ قانون اساسی هند، مصوب سال ۱۹۷۱ م. به‌طور صریح، نظارت قضایی بر اصلاحات قانون اساسی را که توسط پارلمان این کشور (به‌عنوان نهاد مؤسس قانون اساسی) اعمال می‌شود، ممنوع اعلام کرد و بند ۵ مادهٔ یادشده نیز برای پارلمان در این باره، هیچ محدودیتی را نپذیرفته است (پروین و اصلانی، ۱۳۹۱: ۹؛ وکیلان، ۱۳۹۰: ۱۵).

در الگوی اروپایی دادرسی اساسی، چنانچه قانون اساسی به صراحت چنین اختیاری را در صلاحیت نهاد مزبور قرار نداده باشد، نظارت بر اصلاحات قانون اساسی امکانپذیر نیست؛ زیرا این نهادها صلاحیت عام ندارند و فقط در موارد محدود و مصرح دارای صلاحیت‌اند (Gözler, 2008: 21; Bhagwan, 1989: 48).

به عبارت دیگر، طبق رفراندوم ۲۰۱۷ ترکیه، مطابقت اصلاحات به عمل آمده با نظارت دادگاه قانون اساسی منتفی شده است؛ حتی با بررسی نظام‌های حقوقی دیگر که نظارت بر اصلاحات قانون اساسی را به جز موارد استثنایی، ممنوع اعلام می‌کنند، این اصلاحات با شائبه حفظ منافع حزبی گروه حاکم توجیه‌پذیر است؛ سکوت قانون اساسی در این مورد بدین معناست که نهاد مزبور چنین اختیاری ندارد؛ زیرا قانون اساسی در مقام بیان بوده است و چنانچه نویسندگان قانون اساسی قصد واگذاری چنین اختیاری را به نهاد مزبور داشتند، بدان تصریح می‌کردند.

۲-۲ دکتترین محدودیت‌های ضمنی در قانون اساسی

این آموزه بدین معناست که هر نهاد صالح برای اصلاح قانون، هر چند اختیارات نامحدودی در این خصوص داشته باشد، نمی‌تواند ارکان اساسی نظام حقوقی را تغییر دهد؛ زیرا این عمل، اصلاح به شمار نمی‌رود؛ بلکه ایجاد یک قانون اساسی جدید است و این مسئله مستلزم اعمال قوه مؤسس است (راجی و درویشوند، ۱۳۸۹: ۷).

پذیرش چنین آموزه‌ای در اعلامیه حقوق بشر نیز مشاهده می‌شود؛ ماده شانزدهم این اعلامیه مقرر داشته است که هر جامعه‌ای که در آن حقوق شهروندان تضمین نشده و یا تفکیک قوا اعمال نشده است، اساساً قانون اساسی ندارد؛ یعنی چنانچه وجود یک قانون اساسی منوط به حراست از برخی حقوق خاص و تفکیک قوا باشد، هرگونه تلاش برای از بین بردن این اصول، حتی با رعایت طریق رسمی مشخص شده در قانون اساسی، اصلاح قانون اساسی نیست و حتی موجب تخریب ساخت قانون اساسی فعلی می‌شود (دبیرنیا، ۱۳۹۳: ۲۸). البته از آنجا که آموزه محدودیت‌های ضمنی، جایگاهی در منطق قانون اساسی ندارد، بسیار مناقشه‌انگیز است و به‌طور خاص، مسائلی را در زمینه امکان نظارت بر اصلاحات وارد بر این محدودیت‌ها مطرح می‌کند؛ شورای قانون اساسی فرانسه و دیوان عالی ایرلند در زمره کشورهای هستند که نظارت بر مطابقت‌نداشتن اصلاحات قانون اساسی با چنین محدودیت‌هایی را بدون اعتبار به شمار آورده‌اند و در مقابل، برخی کشورها مانند هند، بنگلادش و پاکستان بر مشروعیت چنین نظارتی نظر داده‌اند (Klein and Sajó, 2012: 31; Refaat, 1998: 33)؛ اما در ترکیه اصلاحات قانون اساسی در سال ۲۰۱۷، عملاً شاهد تغییر آشکار مفاد بنیادین قانون اساسی بوده است؛ به نحوی که تفکیک قوا دچار اختلال شد و حتی شبهه یکی شدن قوا توسط حزب توسعه و عدالت بود که در نهایت برخلاف کنوانسیون‌های بین‌المللی بوده و باعث تضعیف شدید قدرت نظارت نمایندگان مجلس و حتی حذف آن شده است.

قانون اساسی به‌طور معمول دربردارنده قواعد و اصول کلی مربوط به ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و حقوق و آزادی‌های فردی در یک کشور است و قوانین دیگر که موسوم به قواعد عادی هستند و به ترتیب تعیین شده در قانون اساسی هر کشور وضع می‌شوند، در درجه پایین تری نسبت به آن قرار دارند (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ۲۵؛ قاضی، ۱۳۸۳: ۱۲).

بنابراین اصولاً هیچ قانونی نباید برخلاف مقررات قانون اساسی وضع و اجرا شود؛ اما در اصلاحیه قانون اساسی ترکیه، مواد مهمی مثل اصل نظارت نمایندگان حذف شده است و عملاً شرایط تک‌حزبی شدن مهیا شد و نقش مردم در زیر سؤال بردن وزار توسط نمایندگان مجلس حذف شد.

۲-۳ سیستم نظارت بعد از انتشار و رسمیت یافتن قانون

به موجب اصل ۱۵۲، اگر محکمه ای در قانون اساسی تشخیص دهد یا در صورتی که به جدی بودن ادعایی در این باره از سوی یکی از احزاب متقاعد شود، رسیدگی تا زمان تصمیم‌گیری دادگاه قانون اساسی به تأخیر می‌افتد و دیوان ظرف مدت پنج ماه نسبت به مورد مطروحه تصمیم می‌گیرد.

بنابراین در کشور ترکیه، نظارت بعد از انتشار و رسمیت یافتن قانون، قبل از تصویب اصلاح قانون اساسی در سال ۲۰۱۷ حاکم بوده است؛ با این اصلاحات و انتخاب، نصف اعضای شورای نظارت بر قانون اساسی توسط رئیس جمهور، شرایط برای حذف قوانینی که برخلاف خط مشی ریاست جمهوری باشد، به‌بهانه تطابق نداشتن با قانون اساسی، مهیا می‌گردد و اصولاً می‌توان این‌طور استنباط کرد که مجلس مجبور می‌شود در راستای آرمان‌های ریاست جمهوری به وضع قانون پردازد؛ البته این با اصول کنوانسیون‌های بین‌المللی درباره استقلال قوا مغایرت دارد و قدرت نظارت پارلمانی، باز هم تضعیف می‌گردد که البته این قوانین در تضاد کامل با قانون اساسی سال ۱۹۹۵ ترکیه است.^۴

۲-۴ ابهام ناشی از هم‌زمانی انتخابات

هم‌زمانی انتخابات ریاست جمهوری با انتخابات مجلس در اصلاحیه ۲۰۱۷ قانون اساسی ترکیه نیز می‌تواند در قدرت روبه‌افزایش رئیس‌جمهور تأثیرگذار باشد. در واقع زمانی که انتخابات هم‌زمان باشد، مردمی که رئیس‌جمهور را از یک حزب انتخاب می‌کنند، بی‌شک در انتخابات پارلمان نیز بیشتر به نمایندگان آن حزب برای مجلس‌گرایش خواهند داشت. در واقع شاهد روی کار آمدن دو قوه مقننه و مجریه همسو خواهیم بود که نظارت بر دولت را به حداقل ممکن خواهند رساند.

در کنار پیامد منفی فوق که روند دیکتاتوری موردنظر منتقدان را تسریع می‌کند، موضوع در کنترل قرارگرفتن سیستم قضایی، وضعیت روند گذار به دیکتاتوری سیاسی را هموار خواهد کرد؛ زیرا براساس اصلاحات اعمال‌شده، شخص رئیس‌جمهور، اختیار روی کار آوردن نیمی از اعضای شورای عالی قضات و دادستانی این کشور را خواهد داشت و نصف دیگر را مجلس این کشور انتخاب خواهد کرد. در واقع قوه قضاییه تحت سیطره دو قوه همسوی مقننه و مجریه قرار خواهد گرفت. نتیجه حاصله این است که با وجود قطع دست نظامیان از این عرصه، شاهد سیطره یک حزب پیروز به هر سه قوه مقننه، قضاییه و مجریه خواهیم بود که یک دیکتاتوری حزبی را تشکیل خواهد داد.

^۴ در مقدمه قانون اساسی ترکیه که در سال ۱۹۹۵ تصویب شد آمده است که طبق اصل دو، جمهوری ترکیه در قالب آرامش جامعه، همبستگی ملی و درک عدالت، حرمت‌گذار به حقوق انسان، وابسته به ملی‌گرایی آتاترک، متکی به مبادی اساسی ذکرشده در مقدمه، یک دولت حقوق با ویژگی‌های دموکراتیک، لائیک و سوسیال است. طبق اصل چهار با عنوان اصول غیرقابل تغییر آمده است که موارد مندرج در اصول ۱ و ۲ و ۳ که درباره شکل حکومت، ویژگی‌های جمهوری و... است، غیرقابل تغییرند و نمی‌توان برای اصلاح آنها پیشنهاد داد.

بنابراین، نبود سازوکارهای کنترل و توازن و نظارت بر قوه مجریه، در کنار دیگر اختیاراتی که قبلاً ذکر شد و اختیاراتی مثل امضای رئیس‌جمهور بر مصوبات مجلس، حق عزل و نصب روسای دانشگاه‌ها و... از جمله پیامدهای منفی قانون اساسی جدید است؛ اما مهم‌ترین پیامد منفی‌ای که این قانون جدید در سیاست داخلی به همراه خواهد داشت، وضعیتی است که می‌توان آن را در یک جمله خلاصه کرد و آن عبارت است از همه‌چیز برای حزب پیروز. در واقع تفکیک قوای مدّ نظر طراحان اصلاحات قانون اساسی ترکیه، بدون در نظر گرفتن نظارت مجلس بر کابینه و رئیس‌جمهور و در کنار آن‌ها حق انحلال پارلمان به رئیس‌جمهور، می‌تواند بی‌ثباتی ناشی از پارلمان‌سیسم را به ثبات تاریک و خفقان دیکتاتوری تبدیل کند.

۲-۵ چالش‌های طرح سؤال از رئیس‌جمهوری و وزرا

پرسشگری پارلمانی، در نصوص قانونی تعریف نشده است. از دیدگاه دکترین حقوقی، طرح سؤال از دولت از جمله ابزارهایی است که برای کنترل و نظارت بر دولت، در اختیار مجلس قرار داده شده است؛ به عبارتی، سؤال ابزار سیاسی مناسبی است که زمینه را برای برقراری یک گفت‌وگوی مؤثر و سازنده بین مجلس و قوه مجریه برقرار می‌کند. هریک از نمایندگان، امکان طرح سؤال از مقامات عالی قوه مجریه را دارد؛ اما تشریفات قانونی آن بیانگر این است که سؤال مطرح شده، آثار سیاسی و جمعی به جای می‌گذارد و ارتباطی فعال میان قوه مجریه و مجلس برقرار می‌کند. نتیجه سؤال پس از ارائه پاسخ و توجیه مقام پاسخ‌دهنده، چنانچه قانع‌کننده باشد، سبب استحکام اعتماد مجلس به دولت و اعاده آن خواهد شد؛ برعکس در صورت اقناع‌نشدن مجلس از پاسخ یا نبود پاسخ، زمینه را برای برخورد شدیدتر و حتی استیضاح فراهم می‌آورد (هاشمی، ۱۳۸۹: ۴۵).

به عبارت دیگر، یکی از عمده‌ترین راهکارهای نظارتی پارلمان این است که از مقامات عالی قوه مجریه سؤال می‌شود. نمایندگان مجلس با طرح سؤالات گوناگون در زمینه‌های مختلف از وزرا، افکار عمومی را به نابسامانی‌ها و سوءاستفاده‌های صورت‌گرفته از توان ملی جلب می‌کنند. در واقع طرح سؤال ابزاری برای نمایندگان برای بیان نارضایتی مردم حوزه‌های انتخابیه خود، فرصتی برای مجلس برای بررسی اقدامات جزءبه‌جزء قوه مجریه، ابزاری برای روش ساخت تفاوت سیاست‌های اتخاذی احزاب سیاسی متعدد درباره مسائل مهم، یا وسیله‌ای برای اقدامات، درباره عملکرد پارلمان و نیز آگاهی دولت از اقدامات خود و انتشار اطلاعات شمرده می‌شود.

در ترکیه، طبق اصل ۹۸ قانون اساسی اصلاحی ترکیه، پارلمان از کابینه و معاون رئیس‌جمهور با ابزارهای تحقیق پارلمانی، تفحص پارلمانی، مباحثه عمومی و سؤال کتبی پرسش و تحقیق انجام می‌دهد. استیضاح لغو می‌شود و به جای آن تحقیق و تفحص پارلمانی، جایگزین می‌گردد؛ معاون اول تا پانزده روز فرصت دارد به پرسش‌ها پاسخ دهد.

طبق اصل ۱۲۵ قانون اساسی اصلاحی ترکیه، تنها قوه قضائیه حق نظارت بر افعال رئیس‌جمهور را خواهد داشت. وزیر یکی از مقامات عالی قوه مجریه است؛ از این رو، قانون اساسی این صلاحیت را برای نمایندگان مقرر کرده است که از وزرا سؤال کنند. اگر سؤال نماینده از وزیر مربوط، خارج از حیطه وظایف وزیر مورد نظر باشد - همچنین در صورت تردید در ارتباط سؤال به حیطه وظایف وزیر مربوط - وی باید مراتب ارتباط‌نداشتن موضوعی سؤال را به مجلس

به صورت کتبی اعلام دارد و در صورت اقناع مجلس، نیازی به حضور وی در مجلس نخواهد بود. در غیر این صورت باید در مجلس حاضر شود و به سؤال پاسخ دهد (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۶: ۲۷)؛ اما طبق اصل ۸۷ قانون اساسی اصلاحی ترکیه، حق پارلمان مبنی بر بازخواست وزرا و دولت، همچنین حق ایشان درباره اعطای اختیارات ویژه به برخی از وزرا لغو می شود.

از طرفی موضوع چگونگی عزل و نصب وزرا از سوی رئیس جمهور و نظارت مجلس بر رئیس جمهور نیز قابل توجه است. نظام ریاستی مد نظر و تلاش برای حذف نظامیان از سیاست و قدرت وجه مثبت این قوانین بود؛ اما موضوع اختیارات تام رئیس جمهور در عزل و نصب وزرا و روند پیچیده و سخت نظارت مجلس بر رئیس جمهور، از جمله مواردی است که به نظر می رسد بوی دیکتاتوری از آن به مشام می رسد.

در مجلس برای طرح سؤال از وزرا، نصاب خاصی در نظر گرفته نشده است؛ بنابراین هر کدام از نمایندگان می توانند سؤالات خود را از هریک از وزرا مطرح کنند و وی را برای پاسخگویی به مجلس احضار نماید. این امر می تواند به عنوان یکی از نکات مثبت قانون اساسی قلمداد شود؛ زیرا هر قدر امکان طرح سؤال از جانب نمایندگان افزایش یابد، موجب افزایش پاسخگویی دولت در برابر قوه مقننه خواهد شد. با وجود این، نصاب بالای تعداد سؤال، می تواند موجب حضور فراوان وزرا در مجلس گردد و آنان را از ایفای وظایف قانونی خویش بازدارد (عالمی، ۱۳۷۴: ۲۵).

طرح سؤال در قانون اساسی ۲۰۱۷ ترکیه حذف شده است و در مقابل تنها حق تحقیق و تفحص برای آنها مهیاست. طبق اصل ۱۰۵، قانون اساسی اصلاحی ترکیه، پارلمان هر تحقیق و تفحصی را می تواند با اکثر مطلق (۳۰۱) آرا آغاز کند. پارلمان پیشنهاد را در طول یک ماه به بحث می گذارد. در صورت پایان مباحثات، مجلس می تواند تحقیق و تفحص را با رأی مخفی سه پنجم اعضا (۳۶۰) شروع کند. پس از پایان تحقیق و تفحص، پارلمان می تواند با دوسوم آرا (۴۰۰) علیه رئیس جمهور اعلام جرم کند؛ بنابراین مهلت پاسخ به سؤالات مطرح شده از جانب نمایندگان به وزیر و نیز بررسی سؤال در کمیسیون تخصصی و طرح سؤال در جلسه علنی مجلس و ضمانت اجرای اقناع نشدن نمایندگان نیز که در قانون اساسی قبلی مهیا بود حذف می گردد.^۵

^۵ اما در اصلاحیه قانون اساسی ۱۹۹۵ ترکیه، وزیر مربوط نیز باید پیش از پایان یافتن مهلت در قانون، عذر موجه خود را به مجلس اطلاع دهد و تقاضای تمدید مهلت کند. برخی از مجالس محدودیتی برای تمدید مکرر مهلت مقرر ندارد و می تواند به وزیر مربوط در صورت عذر موجه، مهلت پاسخ دهد. درباره چگونگی احراز عذر موجه از سوی مجالس و رای، برخی آیین نامه های داخلی مسکوت بوده اند؛ لزوم رأی گیری درباره بررسی عذر موجه وزیر مربوط روش نیست؛ اما طبق برخی رویه ها ادعای وزیر مبنی بر عذر موجه، منوط به رأی مثبت مجلس خواهد بود (هاشمی، ۱۳۸۹: ۲۱۰).

پس از احراز شرایط قانونی سؤال و ارسال به کمیسیون تخصصی ذی ربط، این کمیسیون پس از وصول سؤال باید تا مدت مشخصی در قانون هر کشوری، با حضور وزیر و سؤال کننده تشکیل جلسه دهد و با استماع نظریات سؤال کننده و وزیر و بررسی های لازم، به موضوع رسیدگی کند. حضور نیافتن وزیر در این کمیسیون ها به منزله وارد بودن سؤال مورد نظر است. زمانی که سؤالی وارد تشخیص داده شود، سؤال مطرح شده از طریق رئیس مجلس به رئیس جمهور برای رسیدگی ارجاع می شود. پس از برگزاری جلسه از سوی کمیسیون تخصصی، در صورت حضور نیافتن وزیر یا اقناع نشدن سؤال کننده از توضیحات وزیر مربوط، کمیسیون به تفکیک سؤال مطرح می پردازد. سؤال از دو حالت خارج نیست؛ یا ملی است یا منطقه ای که هریک از این دو برای طرح در جلسه علنی مجلس فرایند متفاوتی را طی می کند. سؤال ملی به منطقه و استان خاص اختصاص ندارد و مربوط به کل کشور است. اگر سؤال نماینده یا نمایندگان از این نوع باشد، به دلیل اهمیت امر، کمیسیون این سؤال را باید به هیئت رئیسه برای اعلام وصول در اولین جلسه علنی ارسال کند. سؤال منطقه ای به منطقه خاص یا استان

در برخی از نظام‌های حقوقی، در هر مورد که حداقل یک‌چهارم نمایندگان قانون اساسی مقرر می‌دارند که از رئیس‌جمهور درباره یکی از وظایف وی سؤال کنند، رئیس‌جمهور موظف است، در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید بیش از یک ماه به تأخیر افتد؛ مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس (هاشمی، ۱۳۸۹: ۳۰)؛ اما در ترکیه، طبق قانون جدید طرح سؤال از رئیس‌جمهور منتفی است و تنها طبق اصل ۱۰۶ قانون اساسی اصلاحی ترکیه، انجام تحقیق و تفحص درباره اتهامات معاونین رئیس‌جمهور و وزرا با سه‌پنجم آرای نمایندگان، شدنی خواهد بود. پارلمان می‌تواند پس از اعلام نتایج تحقیق و تفحص، با رأی دوسوم نمایندگان، علیه ایشان اعلام جرم کند. در صورت اثبات اتهام، معاون یا وزیر خاطی تنها در صورتی محکوم به کنارگذاری از مقام خود خواهند شد که جرم صورت‌گرفته به درجه‌ای باشد که آن‌ها را از نامزدی در انتخابات‌ها منع کند؛ حتی رئیس‌جمهور می‌تواند قوانین صادر از مجلس را وتو کند و تنها طبق اصل ۸۹ اصلاحی قانون اساسی ترکیه، برای ابطال وتوی رئیس‌جمهور لازم است تا پارلمان همان طرح را با اکثر مطلق (۳۰۱ رأی)، رد کند که البته با توجه به بیشتر بودن نمایندگان حزب حاکم در مجلس، قدرت وتوی مجلس نیز منتفی می‌شود.

۲-۶ ابهام‌های نظارتی پارلمان بعد از اصلاح قانون اساسی

وظایف پارلمان شامل قانونگذاری، نمایندگی، بررسی و نظارت، استخدام سیاسی یا تربیت سیاستمداران، مشروعیت بخشیدن، واری در کار قوه اجرائیه و بحث در موضوعات مهم از وظایف پارلمان است (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۳: ۲۰). اصول و بنیادهای پارلمان، شامل مصونیت پارلمانی، حمایت از حیثیت پارلمان، پرداختن به شغل نمایندگی و احتراز از دیگر مشاغل رسمی، حقوق و امتیازات اعضای پارلمان، استقلال پارلمان اعم از استقلال اداری، مالی و نظامنامه‌ای یا آیین‌نامه، مجموع اینها اصول پارلمان را تشکیل می‌دهند (دانشجو، ۱۳۹۶: ۱۷).

در تغییرات قانون اساسی ترکیه در سال ۲۰۱۷، حذف سمت نخست‌وزیری و تمام ارگان‌های وابسته به آن و دادن اختیارات بسیار وسیع‌تر به رئیس‌جمهور تصویب شد. رئیس‌جمهور به‌تنهایی مأمور تشکیل کابینه می‌شود و جالب است که طبق قانون جدید وی به ارائه برنامه‌های دولتش به مجلس نیازی ندارد. عجیب‌تر اینکه، وزرای انتخابی رئیس‌جمهور دیگر بدون نیاز به رأی اعتماد از مجلس این کشور مستقیماً روی کار خواهند آمد. بدین ترتیب دیگر چیزی به نام رأی

خاصی مربوط است. این نوع سؤال به‌دلیل اهمیت کمتری که نسبت به سؤال ملی دارد، برای طرح در جلسه علنی مجلس نیازمند فرایند دیگری است (قاضی، ۱۳۶۸: ۴۰).

در برخی پارلمان‌ها، پیش از طرح سؤال در صحن علنی مجلس، گزارش کمیسیون باید چاپ و بین نمایندگان توزیع شود؛ در جلسه علنی ابتدا گزارش کمیسیون شامل طرح سؤال و بررسی‌های انجام‌شده از سوی سخنگوی کمیسیون به مدتی مقرر مطرح شد؛ سپس وزیر و نماینده سؤال‌کننده به ترتیب و هر کدام به مدتی لازم توضیحات خود را ارائه می‌دهند. در صورت اقناع‌نشدن سؤال‌کننده و حتی حاضر نشدن وزیر مربوط، رئیس جلسه نظر مجلس را در این خصوص اخذ می‌کند. در صورتی که اکثر نمایندگان حاضر سؤال نماینده را وارد بدانند، در این حالت رئیس مجلس موظف است، موضوع را به رئیس‌جمهور برای رسیدگی ارجاع دهد (همان: ۴۱).

پارلمان به مجلسی اطلاق می‌شود که کار قانونگذاری را در کشور پیش می‌برد. پارلمان به‌مثابه عالی‌ترین مظهر اراده مردم و حاکمیت ملی است. نیرویی که به وضع قواعد و مقررات به منظور جهت‌بخشیدن به روابط اجتماعی می‌پردازد (دانشجو، ۱۳۹۶).

اعتماد وجود نخواهد داشت. این به معنای تضعیف قدرت نظارت و رسیدگی پارلمان این کشور بر دولت است که برای ارتقای کارکرد ریاست جمهوری و حتی احراز مقام خلافت، قابل تفسیر است.^۷

بنابراین در این شرایط به دلیل کاهش ظرفیت نمایندگان بر ارکان قدرت رئیس جمهوری، شرایطی ایجاد می‌شود که عملاً قوه مقننه توازن لازم برای مهار قدرت افسارگسیخته دولت را نخواهد داشت و بسیاری از مزایای حفظ توازن قوا به نفع قوه مجریه تضعیف می‌شود.

۷-۲ چالش تبدیل سیستم پارلمانی به ریاستی^۸ و عواقب نظارتی آن

یکی از آفات نظام‌های پارلمانی نبود ثبات دولت‌هاست؛ به نحوی که در کشوری مانند ایتالیا از زمان جنگ دوم جهانی تاکنون بیش از شصت دولت تغییر کرده است (به‌طور متوسط هر سال یک دولت) و این تغییر مداوم دولت‌ها ثبات لازم را برای پیشبرد برنامه‌ها و سیاست‌های حکومت مستقر، با چالش روبه‌رو می‌کند (کلین و ساجو، ۲۰۱۲: ۶۷۰).

با این حال اردوغان در هشت سال گذشته، رهبر حزبی بوده است که با در اختیارداشتن اکثر قاطع کرسی‌های پارلمانی، بدون نیاز به تشکیل دولت ائتلافی، در رأس یک حکومت تک‌حزبی بوده است و از این جهت مشکلی برای ثبات دولت خود برای پیشبرد و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های مورد نظرش نداشته است.

ریاست جمهوری در کشوری مانند ترکیه - که دارای احزاب مختلف و تنوع مذهبی و قومی خاصی است - می‌تواند عنصر فشار بر اقلیت‌های قومی و مذهبی باشد. مخالفان سیستم ریاستی معتقدند اردوغان قصد دارد با تغییر سیستم حکومتی به نظام ریاستی، از ترکیه یک روسیه جدید بسازد؛ او قصد دارد تا سیستمی ایجاد کند که رئیس‌جمهور بدون مصوبه پارلمان، وزرا و مقامات عالی‌رتبه کشور را منصوب کند؛ حکم اجرایی شدن قوانین را صادر و هر زمان که صلاح بداند بتواند پارلمان را منحل کند. مخالفان این سیستم را سیستم «پوتینیسم» می‌نامند؛ سیستمی که در آن قدرت سیاسی و

^۷ هدف اردوغان از تغییر سیستم پارلمانی به سیستم ریاست جمهوری به مراتب مهم‌تر از اصل این طرح است. هدف اردوغان نشستن بر مسند ریاست جمهوری نبود؛ بلکه نشستن بر مسند خلافت است. اردوغان تلاش می‌کند بالاتر از مقام ریاست جمهوری برای خودش یک مقام معنوی و رهبری تعریف کند و به‌نوعی با خلافتی که با مدرنیته گره خورده است، برای خود یک جایگاه خاص و معنوی تعریف کند؛ در آنجا علاوه بر اینکه مردم ترکیه را با تصدی ریاست جمهوری هدایت کند، بتواند در منطقه و بر برخی از کشورهایی که قبلاً جزو امپراتوری عثمانی بودند، اعمال نفوذ داشته باشد. رفتار و کنش‌های مختلف اردوغان در سال‌های اخیر نشان داده که وی تغییر کرده است و اردوغان قبلاً به دنبال دموکراتیزه کردن ترکیه، آزادی‌های سیاسی و شرایطی بود که تمام گروه‌های مذهبی و قومی بتوانند آزادانه خواسته و مطالبات خود را بیان کنند؛ اما اکنون به یک اقتدارگر و تمامیت‌خواهی تبدیل شده که به دنبال تک‌قطبی کردن جامعه ترکیه است.

^۸ نظام سیاسی ریاستی به نظامی گفته می‌شود که در رأس آن قوه مجریه و شخص رئیس‌جمهور قرار دارد که با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود؛ قوه مجریه نیز از درون پارلمان انتخاب نمی‌شود و بین دو قوه مجریه و مقننه تفکیک وجود دارد. هم‌اکنون در ۳۸ کشور جهان ساختار نظام سیاسی ریاستی برقرار است؛ اما در نظام‌های پارلمانی، نخست‌وزیر به‌عنوان رئیس قوه مجریه از نتایج انتخابات پارلمانی تعیین می‌شود و پس از اینکه انتخابات پارلمانی برگزار شد، رهبر حزبی که بیشترین کرسی‌های پارلمان را از آن خود کرده است، به تشکیل دولت دست می‌زند؛ این حکومت می‌تواند تک‌حزبی یا ائتلافی باشد. در صورتی که حزب پیروز انتخابات از بیشتر افراد لازم پارلمانی برای تشکیل کابینه برخوردار باشد، دیگر نیازی به ائتلاف نمی‌بیند و در غیر این صورت حزبی که بیشترین کرسی‌های پارلمان را دارد، با احزاب نزدیک به خود وارد رایزنی می‌شود و در ازای اعطای امتیازاتی به یک یا چند حزب کوچک‌تر دیگر، به تشکیل دولت ائتلافی دست می‌زند (پروین و اصلانی، ۱۳۹۱: ۴۷).

اقتصادی در دست یک فرد است و پارلمان هم سازمانی عقیم و ناکارآمد به شمار می‌رود. در مقابل، اردوغان و طرفداران وی با دفاع از نظام ریاستی می‌گویند با تغییر نظام پارلمانی به نظام ریاستی، امکان پیشرفت هر چه بیشتر کشور و رهایی از زدوبندهای پارلمانی وجود خواهد داشت. آنان معتقدند در نظام‌های پارلمانی چون دولت برآمده از پارلمان است، سیستم تفکیک قوا کامل نیست و به‌درستی اجرا نمی‌شود. درحقیقت پارلمان بر دولت نظارت دارد؛ اما دولت از بدنه پارلمان تشکیل شده است و از این رو چارچوب کلی و درستی برای تفکیک قوا در نظام‌های پارلمانی وجود ندارد (Gözler, 2018: 25).

از این رو اردوغان ضرورت تفکیک قوا با تغییر در نظام سیاسی ترکیه را مطرح می‌کند و معتقد است اگر ترکیه به دنبال دموکراسی پیشرفته و نظارت مردم بر قدرت است باید به سمت تغییر نظام سیاسی از پارلمانی به ریاستی حرکت کند.^۹

۳- نتیجه‌گیری

هدف اصلی اصلاحات قانون اساسی ترکیه، سروسامان دادن به شرایط و اوضاع نابسامان سیاسی و امنیتی این کشور است. شرایطی که ناشی از حضور فعال و گسترده نظامیان در عرصه سیاسی و قضایی این کشور است. در نتیجه بیشترین و مهم‌ترین پیامد آن نیز مربوط به سیاست داخلی این کشور است که شامل پیامدهای مثبتی مانند وداع با نظامی‌گری، اصلاح ساختار قضایی، تحقق نظام ریاستی و... همچنین شامل پیامدهای منفی‌ای شامل حرکت به سمت دیکتاتوری فردی و حزبی، تضعیف مجلس، کنترل قوه قضاییه و... است.

طبق اصل ۹۸ قانون اساسی اصلاحی ترکیه، پارلمان از کابینه و معاون رئیس‌جمهور با ابزارهای تحقیق پارلمانی، تفحص پارلمانی، مباحثه عمومی و سؤال کتبی، پرسش و تحقیق می‌کند؛ استیضاح لغو می‌شود و به جای آن تحقیق و تفحص پارلمانی، جایگزین می‌شود و معاون اول تا ۱۵ روز فرصت دارد به پرسش‌ها پاسخ دهد که این مسئله ناشی از ریاستی‌شدن پارلمان ترکیه است. طبق اصل ۱۲۵ قانون اساسی اصلاحی ترکیه، تنها قوه قضائیه حق نظارت بر افعال رئیس‌جمهور را خواهد داشت.

در تغییرات قانون اساسی ترکیه در سال ۲۰۱۷، حذف سمت نخست‌وزیری و تمام ارگان‌های وابسته بدان و دادن اختیارات بسیار وسیع‌تر به رئیس‌جمهور تصویب شد. رئیس‌جمهور به‌تنهایی مأمور تشکیل کابینه می‌شود و جالب است که طبق قانون جدید وی به ارائه برنامه‌های دولتش به مجلس نیازی ندارد. عجیب‌تر اینکه وزرای انتخابی رئیس‌جمهور دیگر بدون نیاز به رأی اعتماد از مجلس این کشور مستقیماً روی کار خواهند آمد؛ بدین ترتیب دیگر چیزی به نام رأی اعتماد وجود نخواهد داشت. این به معنای تضعیف قدرت نظارت و رسیدگی پارلمان این کشور بر دولت است.

^۹ هر دو حزب اپوزیسیون ترکیه، حزب «جمهوری‌خواه خلق» که یک حزب چپ میانه‌رو است و حزب «دموکراتیک خلق‌ها» که از طرفدار گردهای این کشور است، مخالف سرسخت اصلاح قانون اساسی و انتقال این همه قدرت به رئیس‌جمهور هستند. به باور آن‌ها این اقدام به استقرار یک نظام دیکتاتوری جمهوری‌محور می‌انجامد (Gözler, 2008: 53).

تفکیک قوای مدّ نظر طراحان اصلاحات قانون اساسی ترکیه، بدون در نظر گرفتن نظارت مجلس بر کابینه و رئیس‌جمهور و در کنار آن‌ها حق انحلال پارلمان به رئیس‌جمهور می‌تواند بی‌ثباتی ناشی از پارلمانیسم را به ثبات تاریک و خفقان دیکتاتوری تبدیل کند.

در ترکیه در اصلاحات قانون اساسی در سال ۲۰۱۷، عملاً شاهد تغییر آشکار مفاد بنیادین قانون اساسی بودیم؛ به نحوی که تفکیک قوا دچار اختلال شد و حتی شبهه‌ی یکی شدن قوا توسط حزب توسعه و عدالت مطرح شد که برخلاف کنوانسیون‌های بین‌المللی بود و باعث تضعیف شدید قدرت نظارت نمایندگان مجلس و حتی حذف آن شد.

در کشور ترکیه، نظارت بعد از انتشار و رسمیت یافتن قانون، قبل از تصویب اصلاح قانون اساسی در سال ۲۰۱۷، حاکم بوده است؛ با این اصلاحات و انتخاب نصف اعضای شورای نظارت بر قانون اساسی توسط رئیس‌جمهور، شرایط برای حذف قوانینی که برخلاف خط مشی ریاست جمهوری باشد، به بهانه تطابق نداشتن با قانون اساسی، مهیا می‌شود؛ اصولاً می‌توان این‌طور استنباط کرد که مجلس مجبور می‌شود در راستای آرمان‌های ریاست‌جمهوری، به وضع قانون بپردازد و این با اصول کنوانسیون‌های بین‌المللی درباره استقلال قوا مغایرت دارد و قدرت نظارت پارلمانی، باز هم تضعیف می‌شود.

در نهایت آنکه رئیس‌جمهور می‌تواند قوانین صادر از مجلس را وتو کند و تنها طبق اصل ۸۹ اصلاحی قانون اساسی ترکیه، برای ابطال وتوی رئیس‌جمهور لازم است تا پارلمان همان طرح را با اکثر مطلق (۳۰۱ رأی) رد کند که البته باتوجه به اینکه بیشتر بودن نمایندگان حزب حاکم در مجلس، قدرت وتوی مجلس نیز منتفی می‌شود.

منابع

۱. امینی، یاشار (۱۳۹۶)، «ترکیه تقابل اسلام و سکولاریسم»، فصل‌نامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۲۵ (۳)، ۶۰-۴۹.
۲. پروین، خیرالله؛ اصلانی، فیروز (۱۳۹۱)، اصول و مبانی حقوق اساسی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۳. تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل، ترجمه کتاب دومینیک کار، تهران: دادگر.
۴. تقوی دامغانی، سید رضا (۱۳۷۳)، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۵. دانشجو، احمد رضا (۱۳۹۶)، «بررسی تحلیلی قانون اساسی در ترکیه»، فصل‌نامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۹ (۵)، ۵۹-۴۰.
۶. دبیرنیا، علیرضا (۱۳۹۳)، قدرت مؤسس: کاوشی در مبانی حقوق اساسی مدرن، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۷. راجی، سیدمحمد هادی؛ درویشوند، ابوالفضل (۱۳۸۹)، «مرجع صالح نظارت بر مجلس و نمایندگان»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات حقوقی.

۸. رضایی‌زاده، محمدجواد؛ عابدی، سعید (۱۳۸۹)، «آمادزمن: پاسدار حقوق شهروندان، مبتکر اصلاحات اداری»، فصلنامه حقوق اجتماعی، ۴۰ (۴)، ۸۹-۹۸.
۹. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۶)، حقوق اساسی، تهران: میزان، چاپ ۱۱.
۱۰. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۶)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
۱۱. عباسی، بیژن (۱۳۸۹)، «کنکاشی در منابع حقوق اساسی»، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه همدان، ۱۹ (۳)، ۱۹۳-۲۱۷.
۱۲. عمید زنجانی، عباسعلی؛ موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴)، حقوق اساسی تطبیقی، تهران: میزان.
۱۴. قاضی، ابوالفضل (۱۳۶۸)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج ۱، مبانی و کلیات، تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. _____ (۱۳۸۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: میزان، چاپ دوازدهم.
۱۶. موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی کمیسیون اصل نود و نهاد آمبودزمان (نهاد نظارت و بازرسی)»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، سال هفدهم، دوره جدید، شماره پیاپی ۵۷.
۱۷. وکیلان، حسن (۱۳۹۰)، «نظارت بر رفتار نمایندگان»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات حقوقی، شماره مسلسل ۱۲۲۲۱.
۱۸. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۹)، حقوق اساسی جمهوری ایران، ج دوم، تهران: شهروز، چاپ بیست‌ویکم.

- Fromont, M. (1994). Grands systèmes de droit étrangers, 2 ème éd. Éditeur Mémentos.
- Fromont, M. (1994), Grands Systemes De Droit Etrangers, 2eme ed., *Journal of Dalloz*, 7(14), 141-160.
- Gözler, K. (2008). *Judicial review of constitutional amendments: a comparative study*. Kemal Gözler.
- Gözler, K. (2008). *Judicial review of constitutional amendments: a comparative study*. Kemal Gözler.
- Klein, C., & Sajó, A. (2012). *Constitution-making: process and substance* (Vol. 419). Oxford: Oxford University Press.
- Refaat, A., & Wahab, L. (1998), *Experience De La Haute Cour Constitutionnelle En Egypte, Les constitutions des pays arabes*, ejept, Colloque de Beyrouth.
- Vishnoo, B., Shirur, R. R., & Vidya, B. (1997). *World Constitutions*. Sterling Publishers Pvt. Ltd.

The Parliamentary oversight of the Turkish constitution after the 2017 referendum

Ali Mohammad Fallahzadeh, Seyyed Mohammad Taghi Hassanzadeh

Received: 2020.2.9

Accepted:2020.5.30

Abstract

The parliamentary oversight in Turkey's 2017 referendum has been dramatically weakened after the conditions for the constitutional change were introduced. These reforms were one of the longstanding goals of the " Edalat & Toseeh" party, by its founder, Tayyip Erdoğan. The National Movement Opposition Party also agreed to these reforms. These reforms included the establishment of a presidential system in place of the current parliamentary system, the abolition of the post of prime minister, the increase of parliament seats from 550 to 600, and amendments to the High Council of Judges and prosecutors. This descriptive and analytical research, written in the field and its findings, shows that, basically, the circle of presidential powers is so widespread and the power of the parliamentarians in the constitution is so weakened that they can, in certain circumstances, ; The function of the ministry, the president and even the judiciary has been tightened up and questioned, and the strong integration of the three forces has intensified in this country. Therefore, it can be argued that after the referendum, parliamentary oversight has been severely undermined. Therefore, it can be argued that after the referendum, parliamentary oversight has been severely undermined.

Keywords: parliamentary oversight, Turkey, Constitution, parliamentary speaker, referendum 2017